

قرن بیست و یکم، عصر مردم سالاری

منافع و ارضای عواطف و نیازهای فردی و رهایی یافتن از نگرانی و فقر، خرد جمعی و اتخاذ تصمیم جمعی را جایگزین دخالت مستقیم و روزمره خود کرده‌اند و هزینه آن را هم به صورت مختلف می‌پردازند.

مردم سالاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رقابتی، دولت را کوچک و کارآمد، عملیات آن را شفاف و عامه‌پسند و هزینه اداره آن را کاهش می‌دهد و در مقابل، میزان دخالت و نظارت مردم را با ابداع مکانیزم‌های مناسب و به کمک ابزار اطلاعاتی و تکنولوژیکی روز، به میزان زیادی افزایش می‌دهد. امروزه دولت الکترونیکی بی این که مردم منازل و دفاتر خود را ترک کنند برای هر کار خود به طور روزمره و هر لحظه می‌تواند از نظر شهروندان مطلع گردد. در هفته گذشته نتیجه انتخابات هلند با خارج شدن آخرین فرد رأی دهنده از جایگاه رأی گیری اعلام شد و در همین هفته در چند کشور، مردم با استفاده از ابزار ارتباط جمعی و روش‌های علمی یا شرکت در نظر سنجی‌ها، دولت‌ها را در جهت خواسته‌های خود هدایت کردند.

دولت‌های منتخب مردم که در نظام چند حزبی در شرایط رقابتی انتخاب می‌شوند، ناگزیرند برای کسب رأی مردم در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نه تنها نظریات مردم را محترم بشمارند بلکه عملاً در ارتقاء کیفیت و سطح زندگی و رفاه مادی مردم و امنیت اجتماعی و سیاسی شهروندان و دفاع از کشور پیوسته کوشا باشند.

توسعه اقتصادی و رشد مداوم امکانات مادی و فیزیکی، کلید جلب نظر و رضایت مردم در صحنه رقابت‌های سیاسی است. بدون رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی و سیاسی و استقرار عدالت اجتماعی مفهومی ندارد و امکان‌پذیر نیست و تنها به توزیع عادلانه فقر می‌انجامد. اگر تادو دهه قبل، هدف اقتصادی دولت‌ها بیشتر رشد اقتصادی، ثبات نسبی قیمت‌ها و حفظ ارزش بین‌المللی پول ملی بود امروز تأمین عدالت اجتماعی، حفاظت از محیط زیست در مقیاس جهانی و استفاده از تعامل و هم‌نیروزی ارتباطات و مراودات بین‌المللی در تکمیل و تقویت سیاست‌های ملی، مورد نظر دولت‌هاست.

قرن بیست و یکم قرن شکوفایی و پیروزی نهایی مردم سالاری اجتماعی، سیاسی و اقتصاد رقابتی در مقیاس جهانی است. قرن بیستم، عصر تجربه‌های زیان‌آلود ایدئولوژی‌های ساخته و پرداخته ذهن‌های غافل از شناخت واقعی انسان و نیازهای مادی و روحی او به پایان رسیده است. جهانی شدن در سایه انقلاب‌های تکنولوژیکی و اطلاعاتی در دهکده‌ای جهانی، انسان‌ها را بیش از پیش در کنار هم و در تعامل رقابت‌آمیز با یکدیگر قرار داده است. منطق‌گرایی انسان سرانجام پس از تجربه‌های وحشت‌انگیز جنگ‌های جهانی و ۴۵ سال جنگ سرد، او را به تأسیس صدها نهاد فراملیتی و بین‌المللی هدایت کرده است که حاصل کار آنها استقرار مدیریتی جهانی و رقابتی بر امور این دهکده جهانی است.

مردم سالاری رقابتی، که از بطن رقابت در طبیعت و فرایند انتخاب اصلح و باقی ماندن مناسب‌ترین و قوی‌ترین افکار، تأسیسات، مواد و موجودات مایه می‌گیرد، اجازه می‌دهد که حاصل عملکرد افراد و اجتماعات به طور مثبت و تجمعی روز به روز بر دانش، ثروت و امکانات جوامع بشری بیفزاید و رفاه، قدرت و حوزه کار و فعالیت و تسلط انسان‌ها را نه تنها بر کره خاکی بلکه بر کهکشان‌ها وسعت بخشد.

مردم سالاری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر پایه شناخت حق طبیعی و غیر قابل انکار هر فرد جامعه در انتخاب حوزه عمل دولت و مدیران آن و نیز حوزه عمل آزادی‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی هر شهروند در محدوده جامعه خود و حتی در مقیاس فرامرزی بنا نهاده شده است. امروزه نمایندگان مردم در جامعه اروپا برای بیش از ۳۵۰ میلیون نفر ساکن در ۱۵ کشور تصمیم می‌گیرند یا تصمیمات سازمان جهانی بازرگانی، سازمان بهداشت جهانی و سازمان بین‌المللی کار که توسط نمایندگان دولت‌های منتخب مردم اتخاذ می‌گردد بر زندگی روزمره میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. این مردم در سایه حسابگری و منطق‌گرایی و بر پایه حفظ و دفاع از

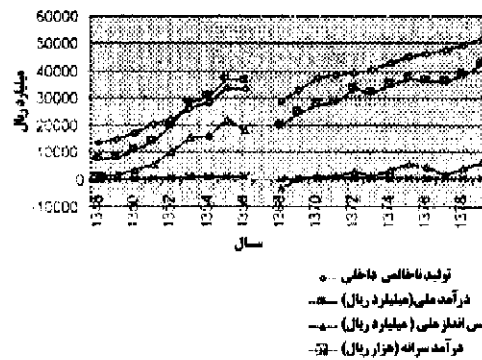
تحولات ساختاری اقتصاد ایران و تنگناهای توسعه صنعتی

دکتر علی رشیدی

اقتصاد ایران و چالش‌های آن

در ایران در دوران پس از انقلاب، متأسفانه درباره نقش و وظیفه اقتصادی دولت و اهداف جامعه ابهامات بسیاری به وجود آمده است که نتیجه آن تردید و سردرگمی مسئولان، آشفتگی صحنه اقتصادی، و استفاده نبردن از فرصت‌ها بوده است. طبق آخرین آمارهای منتشره توسط بانک مرکزی ایران و مراکز آماری دیگر در این سالها متوسط رشد اقتصادی سالانه کشور از حدود ۱/۹ درصد تجاوز نکرده است. تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۵۶ به قیمت‌های ثابت

نمودار ۱: تولید ملی و پس انداز ملی و درآمد سرانه مردم ایران در دوره‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۸ و ۱۳۷۷-۱۳۶۸ به سبب قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹



○ در ایران در دوران پس از انقلاب متأسفانه درباره نقش و وظیفه اقتصادی دولت و اهداف جامعه ابهامات بسیاری پدید آمده که نتیجه آن، تردید و سردرگمی مسئولان، آشفتگی صحنه اقتصادی، و استفاده نبردن از فرصت‌ها بوده است.

جدول (۱): پس انداز ملی و درآمد سرانه مردم ایران ۱۳۵۶-۱۳۴۸ و ۱۳۷۷-۱۳۶۸ (به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹)

سال	تولید ناخالص داخلی	جمعیت (میلیون نفر)	درآمد ملی (میلیارد ریال)	پس انداز ملی (میلیارد ریال)	درآمد سرانه (هزار ریال)
۱۳۴۸	۱۳۵۰۴/۴	۲۸/۰۰۸	۷۲۶۶/۱	۱۳۷۸/۵	۲۵۹/۸
۱۳۴۹	۱۴۸۲۹/۳	۲۸/۷۶۶	۷۹۳۸/۶	۱۸۰۵/۷	۲۷۶/۰
۱۳۵۰	۱۷۰۳۸/۶	۲۹/۵۳۹	۱۰۵۸۳/۵	۳۷۲۰/۶	۳۵۸/۳
۱۳۵۱	۲۰۳۶۲/۰	۳۰/۳۲۷	۱۳۹۸۲/۳	۵۵۵۷۸/۴	۶۶۱/۱
۱۳۵۲	۲۲۳۳۲/۳	۳۱/۱۳۱	۱۹۸۵۸/۵	۱۰۲۱۲/۸	۶۳۷/۹
۱۳۵۳	۲۵۸۵۲/۹	۳۱/۹۵۱	۲۸۱۹۳/۷	۱۵۲۲۶/۲	۸۸۲/۴
۱۳۵۴	۲۸۴۹۵/۸	۳۲/۸۱۸	۳۰۳۶۵/۵	۱۶۰۷۸/۰	۹۲۵/۳
۱۳۵۵	۳۳۵۰۱/۴	۳۳/۷۱۹	۳۶۵۳۵/۷	۲۱۷۹۰/۴	۱۰۸۳/۹
۱۳۵۶	۳۳۱۶۲/۴	۳۴/۷۳۶	۳۶۰۸۲/۱	۱۷۹۳۰/۳	۱۰۳۸/۸
۱۳۶۸	۲۸۷۶۵/۱	۵۳/۱۸۷	۱۹۷۶۷/۰	۳۵۳۹/۲	۳۷۱/۷
۱۳۶۹	۳۲۷۸۸/۰	۵۴/۴۹۶	۲۴۲۸۰/۳	۳۶۹/۹	۴۴۵/۵
۱۳۷۰	۳۷۳۵۷/۰	۵۵/۸۳۷	۲۷۴۸۷/۶	۱۳۶۰/۱	۴۹۲/۳
۱۳۷۱	۳۸۴۵۳/۰	۵۶/۶۵۶	۲۷۹۷۵/۳	۹۱۳/۸	۴۹۳/۸
۱۳۷۲	۳۹۲۸۱/۸	۵۷/۴۸۸	۳۳۱۳۶/۹	۲۷۷۸/۸	۵۷۶/۴
۱۳۷۳	۴۰۱۲۳/۰	۵۸/۳۳۱	۳۱۹۳۹/۴	۱۳۰۷/۶	۵۴۷/۶
۱۳۷۴	۴۲۶۷۸/۵	۵۹/۱۸۷	۳۴۸۱۰/۱	۳۱۸۴/۳	۵۸۸/۱
۱۳۷۵	۴۴۸۱۰/۲	۶۰/۰۵۵	۳۷۰۶۶/۵	۵۵۸۲/۷	۶۱۷/۲
۱۳۷۶	۴۵۸۹۹/۷	۶۰/۹۹۴	۳۶۱۷۵/۰	۴۲۹۳/۳	۵۹۳/۱
۱۳۷۷	۴۷۵۶۴/۵	۶۱/۸۴۲	۳۵۸۲۱/۷	۱۶۲۰/۸	۵۷۹/۲
۱۳۷۸	۴۸۹۱۴/۰	۶۲/۸۱۷	۳۸۵۵۹/۰	۳۹۵۴/۶	۶۱۳/۸
۱۳۷۹	۵۱۸۱۶/۴	۶۳/۸۶۲	۴۲۴۳۲/۰	۶۵۸۵/۳	۶۶۴/۴
۱۳۸۰		۶۴/۸۸۳			

منابع: جدول ۷۱-الف، ۷۱-د، ۷۹-د و ۷۹-ب جدول حساب‌های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حساب‌های اقتصادی، تهران، اسفند ۱۳۷۹ و خلاصه تحولات اقتصادی کشور، سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، تهران، ۱۳۸۰

بودن پس انداز ملی، از سوی دیگر انعکاسی از کم شدن تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کل اقتصاد بویژه در بخش صنایع و معادن است. در دوره ۱۳۴۸-۵۶ کل سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن (شامل نفت و گاز و ساختمان و آب) به قیمت های ثابت سال ۱۳۶۹ از ۱۵۳۲/۸ میلیارد ریال به ۷۸۶۴/۷ میلیارد ریال (برابر افزایش یافت؛ در حالی که در سال ۱۳۷۷ کل سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن ۵۵ درصد از میزان سال ۱۳۵۶ کمتر بوده است؛ ۳۵۵۴/۴ میلیارد ریال در مقابل ۷۸۶۴/۷ میلیارد ریال (جدول ۲).

بدون محاسبه تشکیل سرمایه در نفت و گاز و آب و برق در دوره ۱۳۴۸-۵۶ تشکیل سرمایه ناخالص در صنعت و معدن ۴/۹۶ برابر شد و به ۳۰۶۴/۵ میلیارد ریال رسید؛ در حالی که در سال ۱۳۷۷ این نوع تشکیل سرمایه با ۵۰ درصد سقوط به ۱۵۳۱/۴ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۸ به ۱۴۷۸/۲ میلیارد ریال افت پیدا کرد. در سال ۱۳۵۶ سهم تشکیل سرمایه در هزینه ناخالص ملی ۵۲/۱ درصد بود؛ در حالی که این نسبت در سال ۱۳۶۸ تنها ۲۱/۲ درصد و در ۱۳۷۹ برابر

سال ۱۳۶۹ برابر ۳۳۱۶۲/۴ میلیارد ریال بود که در سال ۱۳۷۷ به ۴۷۵۶۴/۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۹ به ۵۱۸۱۶/۴ میلیارد ریال افزایش یافت. در همین مدت جمعیت کشور از ۳۴/۷ میلیون نفر به ۶۳/۸ میلیون نفر (۸۳ درصد) رشد کرد که نتیجه آن کاهش درآمد سرانه هر فرد ایرانی به میزان ۳۶ درصد بود (جدول و نمودار ۱).

در همین دوره تا سال ۱۳۷۹، پس انداز ملی ایران از ۱۷۹۳۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ به ۶۵۸۵/۳ میلیارد ریال کاهش یافت. کهنه شدن وسیع ماشین آلات و افزایش سریع استهلاک سرمایه های ثابت و افزایش آن از ۴۳۱۶ میلیارد ریال در ابتدای دوره به ۱۰۲۴۶/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۹ از عوامل عمده کاهش پس انداز ملی در شرایط رشد اندک در آمد ناخالص ملی است.

اندک بودن رشد اقتصادی در مقایسه با امکانات فیزیکی و مادی (ماشین آلات، مواد اولیه، نیروی انسانی، امکانات ارزی و انرژی) معرف اندک بودن کارایی (efficiency) و بازدهی (productivity) عوامل تولید در کل اقتصاد است. تکنولوژی و مدیریت دو عامل مؤثر در کارایی و بازده عوامل تولید شناخته شده است. سقوط تدریجی و پایین

○ بدون محاسبه تشکیل سرمایه در نفت و گاز و آب و برق در دوره ۱۳۴۸-۵۶ تشکیل سرمایه ناخالص در صنعت و معدن ۴/۹۶ برابر شد و به ۳۰۶۴/۵ میلیارد ریال رسید در حالی که در سال ۱۳۷۷ این نوع تشکیل سرمایه با ۵۰ درصد سقوط به ۱۵۳۱/۴ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۸ به ۱۴۷۸/۲ میلیارد ریال افت پیدا کرد.

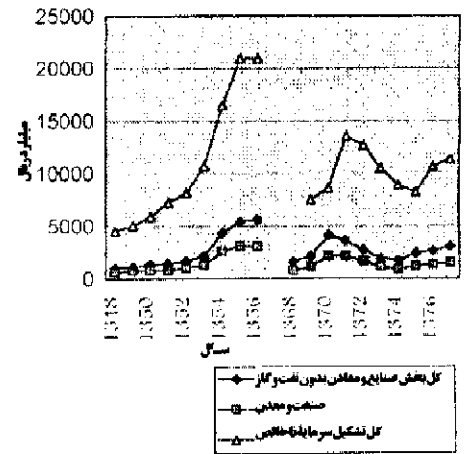
جدول (۲): کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و تشکیل سرمایه در بخش صنایع و معادن

۱۳۴۸-۵۶ و ۱۳۷۷-۱۳۶۸ با قیمت های ثابت سال ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)

سال	کل تشکیل سرمایه ناخالص	صنایع و معادن شامل نفت و گاز و آب و ساختمان	صنعت و معدن	سهم تشکیل سرمایه در هزینه تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳۴۸	۴۵۳۸/۴	۱۵۳۲/۸	۶۱۸/۱	۳۶/۳
۱۳۵۰	۵۹۰۷/۵	۱۹۱۸/۹	۷۵۹/۱	۳۵/۵
۱۳۵۲	۸۱۱۰/۴	۲۳۹۱/۲	۱۰۳۸/۷	۳۳/۰
۱۳۵۴	۱۶۵۱۷/۵	۵۵۲۷/۰	۲۶۶۸/۲	۴۷/۲
۱۳۵۶	۲۰۹۶۵/۰	۷۸۶۴/۷	۳۰۶۴/۵	۵۲/۱
۱۳۶۸	۷۴۹۷/۱	۱۸۸۶/۱	۷۶۲/۵	۲۱/۲
۱۳۷۰	۱۴۵۲۵/۷	۴۷۳۸/۷	۲۱۴۷/۷	۳۶/۷
۱۳۷۲	۱۰۵۵۴/۶	۳۰۸۴/۴	۱۶۵۴/۵	۲۵/۷
۱۳۷۴	۸۲۱۷/۱	۲۲۲۹/۴	۸۹۵/۶	۲۱/۳
۱۳۷۶	۱۱۳۶۶/۷	۳۳۵۴/۸	۱۳۵۳/۸	۲۹/۲
۱۳۷۷	۱۱۸۱۲/۸	۳۵۵۴/۴	۱۵۳۱/۴	۳۰/۴
۱۳۷۸	۱۲۷۳۸/۹	—	—	۲۶/۰
۱۳۷۹	۱۳۸۰۷/۷	—	—	۲۶/۵

منابع: جداول ۶۴، ۶۴-ب، جداول حساب های ملی ۱۳۳۸-۱۳۷۷ و برآورد مقدماتی حساب های ملی در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی ایران، تهران، مرداد ۱۳۸۰، جدول ۳۳.

نمودار ۲: تشکیل سرمایه ناخالص به قیمت سال ۱۳۶۹



۲۶/۵ درصد بوده است که با محاسبه استهلاک سرمایه‌های ثابت، سهم خالص تشکیل سرمایه در آمد خالص ملی تنها به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۷۹ رسیده است. (هزینه ناخالص داخلی) (جنول ۲).

سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کار در کل اقتصاد و بویژه در بخش صنعت و معدن، کلید افزایش تولیدات صنعتی و بهبود مرغوبیت و استانداردها و افزایش راندمان عامل انسانی است. در دوره ۱۳۴۸-۵۶ سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در کل اقتصاد ۴/۸۷ برابر و در بخش صنعت و معدن ۵ برابر (۳/۴۲۳/۳۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ در مقایسه با ۷۸۱/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۸) شد. در حالی که در سال ۱۳۷۹ سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در کل اقتصاد (به

○ نوسانات شدید و کاهش واردات ماشین‌آلات در بخش صنعت و معدن از سال ۱۳۷۱ این بخش را از دسترسی به تکنولوژی روز جهان و بهبود استانداردها محروم ساخته است.

جدول (۳): تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش صنایع و معادن و صنعت و معدن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)

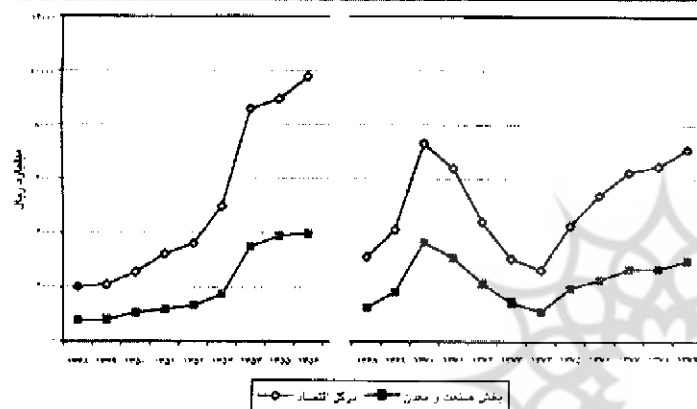
سال	کل بخش صنایع و معادن بدون نفت و گاز و آب و ساختمان	صنعت و معدن	درصد
۱۳۴۸	۱۰۲۰/۶	۶۱۸/۱	۶۰/۶
۱۳۴۹	۱۱۱۸/۹	۷۲۱/۵	۶۴/۵
۱۳۵۰	۱۳۴۳/۳	۷۵۹/۱	۵۲/۹
۱۳۵۱	۱۴۵۱/۷	۷۸۴/۴	۵۴/۰
۱۳۵۲	۱۷۱۳/۹	۱۰۳۸/۷	۶۰/۶
۱۳۵۳	۲۱۷۲/۵	۱۳۱۰/۶	۶۰/۳
۱۳۵۴	۴۳۸۵/۶	۲۶۶۸/۲	۶۰/۸
۱۳۵۵	۵۴۱۸/۱	۳۱۱۲/۶	۵۵/۱
۱۳۵۶	۵۶۵۲/۷	۳۰۶۴/۵	۵۴/۲
۱۳۶۸	۱۶۱۷/۶	۷۶۲/۵	۴۷/۱
۱۳۶۹	۲۱۶۱/۵	۱۱۴۸/۱	۵۳/۱
۱۳۷۰	۴۱۳۸/۸	۲۱۴۷/۷	۵۱/۹
۱۳۷۱	۳۶۲۱/۳	۲۱۵۵/۶	۵۹/۵
۱۳۷۲	۲۷۹۰/۶	۱۶۵۴/۵	۵۹/۳
۱۳۷۳	۱۹۳۲/۸	۱۱۲۱/۵	۵۸/۰
۱۳۷۴	۱۷۶۶/۸	۸۹۵/۶	۵۰/۷
۱۳۷۵	۲۴۶۱/۶	۱۱۹۸/۱	۴۸/۷
۱۳۷۶	۲۶۵۳/۳	۱۳۵۳/۸	۵۱/۰
۱۳۷۷	۳۰۷۳/۷	۱۵۳۱/۴	۴۹/۸
۱۳۷۸	۳۱۶۲/۶	۱۴۷۸/۲	۴۶/۷
۱۳۷۹	—	—	—
۱۳۸۰	—	—	—

منابع: جداول ۶۴، د. ۶۴، جداول حسابهای ملی ۱۳۷۷-۱۳۳۸ و برآورد مقدماتی حسابهای ملی در سال ۱۳۷۹، بانک مرکزی ایران، تهران، مرداد ۱۳۸۰، جنول ۳۳.

قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ برابر ۷۰۹۳/۹ میلیارد ریال یعنی ۲۷/۵ درصد از مبلغ مربوط به سال ۱۳۵۶ (۹۷۸۰/۴ میلیارد ریال) کمتر است. سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کار در بخش صنعت و معدن نیز در سال ۱۳۷۷ معادل ۳۲/۶ درصد از رقم مربوط به سال ۱۳۵۶ کمتر بوده است (جدول ۴).

قابل توجه است که استفاده از ماشین‌آلات ساخت داخل در بخش صنعت و معدن در دوره ۱۳۴۸-۵۶ تقریباً ۱۳/۴ برابر و استفاده از ماشین‌آلات وارداتی در همین مدت ۴/۷۶ برابر شد. از سال ۱۳۵۳ با افزایش درآمدهای ارزی نفتی در شرایط تورمی جهانی و سقوط شدید و سریع ارزش دلار، دولت سیاست تبدیل دلارهای نفتی به ماشین‌آلات صنعتی را در پیش گرفت و در

نمودار ۴: سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کار به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)



در ماشین‌آلات وارداتی در همین مدت ۴/۷۶ برابر شد. از سال ۱۳۵۳ با افزایش درآمدهای ارزی نفتی در شرایط تورمی جهانی و سقوط شدید و سریع ارزش دلار، دولت سیاست تبدیل دلارهای نفتی به ماشین‌آلات صنعتی را در پیش گرفت و در

○ درآمد سرانه واقعی مردم ایران در سال ۱۳۷۹ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ تحت تأثیر دو عامل رشد جمعیت و عدم رشد کافی تولید ناخالص ملی در مقایسه با سال ۱۳۵۶ دقیقاً ۳۷/۹۷ درصد کاهش یافته است.

جدول (۴): سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کار در کل اقتصاد و در بخش صنایع و معادن

۱۳۴۸-۵۶ و ۷۹-۱۳۶۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ (میلیارد ریال)

سال	در کل اقتصاد	بخش صنعت و معدن	از تولیدات داخلی	از واردات	بخش خصوصی	بخش دولتی
۱۳۴۸	۲۰۰۶/۸	۷۸۱/۱	۲۵/۸	۷۵۵/۳		
۱۳۵۰	۲۵۵۳/۹	۱۰۵۳/۵	۴۹/۶	۱۰۰۳/۹		
۱۳۵۲	۳۵۹۹/۳	۱۳۲۰/۱	۱۰۲/۱	۱۲۱۸/۰		
۱۳۵۴	۸۵۸۵/۲	۳۴۹۷/۳	۲۷۸/۵	۳۲۱۸/۸		
۱۳۵۶	۹۷۸۰/۴	۳۹۴۲/۳	۳۴۶/۹	۳۵۹۵/۴		
۱۳۶۸	۳۱۲۱/۸	۱۲۶۱/۶	۵۸۸/۳	۶۷۳/۳		
۱۳۷۰	۷۳۱۹/۴	۳۶۴۲/۸	۶۳۹/۰	۳۰۰۳/۸		
۱۳۷۲	۴۴۰۹/۶	۲۱۴۳/۱	۵۴۰/۹	۱۶۰۲/۲		
۱۳۷۴	۲۶۲۱/۰	۱۰۹۶/۹	۵۱۸/۳	۵۷۸/۶		
۱۳۷۶	۵۳۷۳/۰	۲۲۶۹/۹	۹۷۲/۰	۱۲۹۸/۰	۴۱۲۴/۳	۱۲۴۸/۷
۱۳۷۷	۶۲۲۷/۵	۲۶۵۸/۱	۹۶۵/۰	۱۶۹۳/۱	۵۱۵۵/۶	۱۰۷۱/۹
۱۳۷۸	۶۴۶۴/۳	۲۶۶۸/۷	—	—	۵۳۶۲/۱	۱۱۰۲/۲
۱۳۷۹	۷۰۹۳/۹	۲۹۷۸/۶	—	—	۵۸۰۲/۲	۱۲۹۱/۷

منابع: جداول شماره ۶۵، ب، ۶۶، د، ۶۵، د، ۶۶، بانک مرکزی ایران، اداره حسابهای اقتصادی حسابهای ملی، تهران، اسفند ۱۳۷۹ و برآورد مقدماتی حسابهای ملی در سال ۱۳۷۹، تهران، مرداد ۱۳۸۰.

تولیدات داخلی مانند سال‌های پیش از انقلاب به سرعت افزایش یافته است و نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۲/۷۸ برابر شده است ولی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات وارداتی در همین مدت ۵۲ درصد سقوط کرده است.

سقوط سرمایه‌گذاری در واردات ماشین‌آلات صنعتی از سال ۱۳۷۱ شروع شد و تا سال ۱۳۷۴ به کمتر از یک پنجم سال ۱۳۷۰ تقلیل یافت. رشد واردات ماشین‌آلات صنعتی در بخش صنعت از سال ۱۳۷۵ به بعد دوباره آغاز شد ولی در هر حال این نوع واردات کمتر از نصف رقم مربوط به سال ۱۳۵۶ است (۱/۶۹۳ میلیارد ریال در مقابل ۴/۳۵۹۵ میلیارد ریال). نوسانات شدید و کاهش واردات ماشین‌آلات در بخش صنعت و معدن از سال ۱۳۷۱ که از یک سوناشی از افزایش شدید نرخ ارز در جهت یکسان‌سازی نرخ‌ها و از سوی دیگر ناشی از کمبود ارز در سال‌های پس از آزادسازی ناگهانی واردات بعد از سال ۱۳۶۸ بوده است، بخش صنعت را از دست‌رسی به تکنولوژی‌های مربوط جهانی و بهبود استانداردها محروم ساخته است. اگر چه ماشین‌آلات ساخت داخلی قسمت کمی از خلأ ناشی از سقوط واردات ماشین‌آلات خارجی را پر کرده است ولی در هر حال سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات در بخش صنعت اعم از داخلی و وارداتی، از سال ۱۳۵۶ کمتر است.

بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری کافی در تکنولوژی و ماشین‌آلات همراه با سایر عوامل، مستقیماً به رشد اقتصادی اندک (۱/۹ درصد) و عدم رشد کافی بازده عامل کار و پایین باقی ماندن دستمزد واقعی نیروی کار و قدرت خرید جامعه منجر شده است (جدول ۱).

بررسی تطبیقی عملکرد اقتصادی و کارایی

از نظر تطبیقی، رشد اقتصادی ممالک آسیایی در دوره دهساله ۱۹۸۵-۱۹۸۶ دستکم ۴ تا ۸ درصد بوده است. بررسی علل تحقق این معجزه اقتصادی، هفت عامل کلیدی زیر را نمایان می‌سازد:

۱- مدیریت اقتصادی کارآمد در سطح جامعه و اتخاذ سیاست‌های مالی، پولی و ارزی مناسب و

به موقع؛

۲- نرخ بالای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری واقعی؛

۳- نیروی کار فعال با آموزش‌های ضروری و متناسب؛

۴- کوشش هدفمند برای یادگیری، انتخاب و به کارگیری تکنولوژی خارجی؛

۵- سیاست‌های حمایتی دولت برای توسعه بخش خصوصی فعال که مشخصه اصلی آن ورود سرمایه‌های خصوصی خارجی است؛

۶- نقش تعیین‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خصوصی خارجی در تسهیل تجدید ساختار اقتصاد منطقه از اواسط دهه ۱۹۸۰ (پاسخگویی به نیازهای سرمایه‌ای عظیم کشورهای منطقه از عهده پس‌انداز داخلی آنها خارج بوده است)؛

۷- بهبود ثبات سیاسی و تجدید ساختار زیربنای که از پیدایش وحدت نظر و هدف برای اقتصاد جامعه حکایت دارد.

منبع اصلی این تحولات و سرمایه‌ها کوشش شرکت‌های ژاپنی برای یافتن محل تولید انبوه ارزان‌تر در پی افزایش ارزش پول ژاپن (ین) ناشی از توافق پلازا (Plaza Accord) بوده است. در این ممالک ورود سرمایه‌های خارجی همراه با افزایش رغبت به حفظ و افزایش سرمایه‌گذاری‌های موجود داخلی، و فور یا شدت سرمایه (capital intensity) را در اقتصاد افزایش داد و همراه با سرمایه، تکنولوژی مدیریت و دانش فنی مدیریت (management know-how) و بالاتر از همه آموزش برای بالا بردن مهارت‌های نیروی کار افزایش یافت. در ممالک آسیایی افزایش شدت سرمایه‌بری نقش اساسی در افزایش بازدهی عامل کار داشته است. در مالزی ۸۳ درصد افزایش بازدهی عامل کار ناشی از داشتن ابزار سرمایه‌ای بیشتر و بهتر بوده است. افزایش بازده عامل کار ناشی از کاربری تکنولوژی و ماشین‌آلات، تولید سرانه عامل کار را افزایش می‌دهد. در تایلند از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵ تولید سرانه نیروی کار بیش از ۸۰ درصد افزایش یافته است. این نسبت برای اندونزی بیش از ۵۰ درصد، برای هندوستان بیش از ۳۰ درصد، در فیلیپین حدود ۲۰ درصد و برای ایران ۳ درصد بوده است (جدول ۵).

صنعت نخستین جذب‌کننده ماشین‌آلات است

○ رشد درآمد ملی ایران به
قیمتهای ثابت سال ۱۳۶۹
نسبت به سال ۱۳۵۶ تا
سال ۱۳۷۷ تنها
۱۷/۶ درصد، رشد
پس‌انداز ملی ۹۰- درصد،
و سقوط درآمد سرانه
۴۴ درصد بوده است.

و در نتیجه، افزایش بازدهی در صنعت به مراتب بیشتر از افزایش بازدهی در کشاورزی است. در هندوستان افزایش بازدهی در کشاورزی در دوره ۱۹۸۶-۹۵ برابر ۲۹ درصد در مقایسه با ۴۵ درصد در بخش صنعت بوده است. این نسبت‌ها برای انونزی ۲۰ درصد در مقابل ۴۱ درصد بوده است (جداول ۶ و ۷). این تحول، اثر مستقیم بر تغییر ساختار صادرات این کشورها از کالاهای کشاورزی به کالاهای صنعتی داشته است.

اقتصاد ایران بر عکس کشورهای آسیا و آسیای جنوب شرقی با عوامل بازدارنده درونی که سدر راه افزایش کارایی است روبرو بوده است. جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که اولاً افزایش کارایی یا

بازده عامل کار در دوره ۱۰ ساله ۱۹۹۵-۱۹۸۶ در چین ۶۳ درصد، در مالزی ۵۲ درصد، در هندوستان ۳۰ درصد، در پاکستان ۲۴ درصد و در ایران تنها ۳ درصد بوده است. ثانیاً افزایش بازده در این ممالک، تدریجی و تکاملی و فزاینده بوده است؛ در حالی که در ایران بازده عامل کار در سال‌های ۱۹۸۷-۹۰ به‌طور فزاینده منفی بوده و پس از آن نیز به شدت نوسان داشته است. در ایران بخش کشاورزی از نظر بازده عامل کار (در اثر کم شدن نیروی کار)، طبق اطلاعات مندرج در جدول ۶ و ۷ وضع مناسب تری در مقایسه با صنعت دارد. در دوره ۱۹۸۶-۱۹۹۵ در کشور مالزی بازدهی کار در کشاورزی ۶۵/۳۸ درصد رشد داشته است. این

○ در سالهای اخیر کاهش استفاده از ظرفیت‌های تولیدی در صنایع ایران شدت گرفته است که ساده‌ترین اثر آن کاهش سطح اشتغال و تولید و بالا رفتن قیمت تمام شده کالاهاست.

جدول (۵): شاخص بازده نیروی کار در چند کشور منتخب آسیایی

۱۹۸۶-۱۹۹۵

سال	ایران	چین	تایلند	مالزی	هندوستان	پاکستان
۱۹۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۸۷	۹۸/۴۹	۱۰۸/۶۸	۱۰۵/۵۳	۱۰۰/۵۱	۱۰۳/۹۲	۹۹/۶۴
۱۹۸۸	۸۷/۹۳	۱۱۵/۹۷	۱۱۲/۸۶	۱۰۶/۰۹	۱۰۴/۶۸	۱۰۵/۰۱
۱۹۸۹	۸۷/۶۸	۱۲۳/۲۲	۱۲۵/۱۱	۱۱۱/۸۱	۱۱۶/۱۶	۱۰۶/۵۴
۱۹۹۰	۹۵/۰۵	۱۲۹/۲۸	۱۲۶/۵۸	۱۱۷/۲۵	۱۲۰/۲۷	۱۰۸/۲۷
۱۹۹۱	۱۰۱/۸۱	۱۳۶/۶۹	۱۴۶/۷۴	۱۲۳/۵۴	۱۲۱/۷۱	۱۱۸/۱۱
۱۹۹۲	۱۰۳/۶۹	۱۴۲/۶۷	۱۵۳/۱۹	۱۲۹/۳۳	۱۱۸/۹۱	۱۲۲/۲۱
۱۹۹۳	۱۰۴/۷۱	۱۴۹/۷۲	۱۶۱/۵۶	۱۳۴/۴۳	۱۲۳/۷۲	۱۲۰/۸۵
۱۹۹۴	۱۰۲/۴۷	۱۵۶/۰۴	۱۸۱/۰۹	۱۴۲/۵۷	۱۲۵/۱۴	۱۲۲/۵۸
۱۹۹۵	۱۰۳/۰	۱۶۳/۵۶		۱۵۲/۰۲	۱۳۰/۵۳	۱۲۴/۸۴

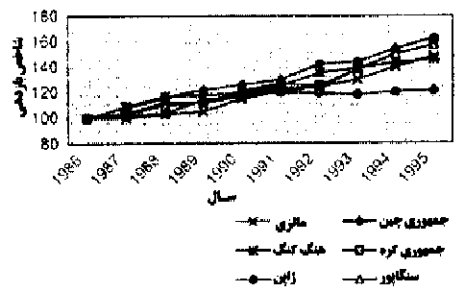
منبع: Asian Productivity Organization, Productivity Statistics, 1997, Tokyo 1997, table page 3

جدول (۶): شاخص بازدهی نیروی کار در صنعت

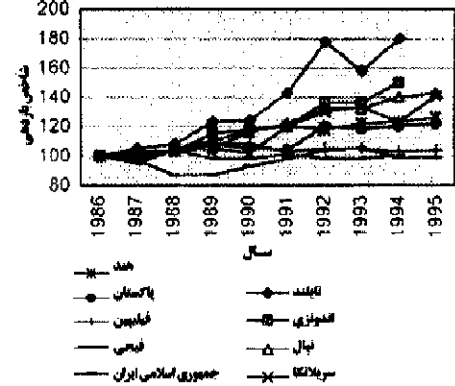
سال	ایران	چین	تایلند	مالزی	هندوستان	پاکستان
۱۹۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۸۷	۱۰۳/۵۸	۱۰۵/۶۳	۹۷/۴۵	۱۰۵/۱۰	۱۰۴/۳۶	۹۵/۱۳
۱۹۸۸	۱۰۱/۱۶	۱۱۰/۸۳	۱۲۰/۵۴	۱۱۶/۳۳	۱۱۷/۱۹	۱۱۴/۰۷
۱۹۸۹	۱۰۴/۳۳	۱۱۵/۱۸	۱۱۷/۶۴	۱۱۱/۹۸	۱۱۹/۷۷	۱۱۵/۲۴
۱۹۹۰	۱۱۳/۸۰	۱۲۰/۸۵	۱۳۴/۸۵	۱۱۳/۸۱	۱۳۳/۷۱	۱۱۸/۱۲
۱۹۹۱	۱۲۴/۵۴	۱۳۱/۶۹	۱۲۴/۱۳	۱۱۷/۵۵	۱۳۶/۹۶	۱۳۴/۷۵
۱۹۹۲	۱۲۱/۳۰	۱۳۶/۶۴	۱۲۹/۵۵	۱۱۶/۵۰	۱۲۸/۴۲	۱۳۹/۱۱
۱۹۹۳	۱۱۲/۴۵	۱۴۵/۸۲	۱۳۹/۶۸	۱۲۳/۷۵	۱۳۶/۳۳	۱۵۸/۹۴
۱۹۹۴	۱۱۱/۱۴	۱۵۴/۰۷	۱۴۶/۶۶	۱۳۱/۷۰	۱۳۴/۹۱	۱۷۷/۳۵
۱۹۹۵	۱۰۶/۴۹	۱۶۵/۷۹	—	۱۴۲/۰۰	۱۴۴/۵۰	۱۷۷/۸۴

منبع: Asian Productivity Organization, Productivity Statistics, 1997, Tokyo 1997 table. page 3

نمودار الف: شاخص بازدهی در سطح ملی کشورهای با درآمد سرانه بالای سه هزار دلار



نمودار ب: شاخص بازدهی در سطح ملی کشورهای با درآمد سرانه زیر ۳۰۰۰ دلار



نسبت برای ایران حدود ۴۰ درصد، برای چین ۵۳ درصد، برای هندوستان ۲۹ درصد، و برای تایلند حدود ۵۱ درصد و برای پاکستان حدود ۲۲ درصد بوده است. در صنعت بین کشورهای منتخب، پاکستان

بالاترین بازدهی نیروی کار را با ۷۸ درصد رشد در دوره ده ساله ۹۵-۱۹۸۶ داشته است و پس از آن چین با ۶۶ درصد، تایلند با ۴۷ درصد، هندوستان با ۴۵ درصد و مالزی با ۴۲ درصد رشد قرار داشتند. رشد بازدهی عامل کار در ایران در بخش صنعت سالانه به طور متوسط حدود ۱۰ درصد بود ولی از سال ۱۹۹۱ به تدریج نزولی و در سال ۱۹۹۵ تنها ۶/۵ درصد بوده است (جدول ۶ و ۷).

اطلاعات آماری جدول ۱ تا ۴ نشان می‌دهد که در اقتصاد ایران عامل ماشین‌آلات و لوازم کار و تکنولوژی، صرف‌نظر از میزان سرمایه‌گذاری، نقش نسبتاً ثابتی در تولید داشته است. در دوره ۱۰ ساله ۷۴-۱۳۶۵ میزان اشتغال در اقتصاد حدود ۴۰ درصد رشد داشته و در این دوره، تولید ناخالص داخلی نیز دقیقاً حدود ۴۰ درصد افزایش یافته است (جدول ۱ و ۸).

در بخش صنعت، اشتغال با ۸۰ درصد افزایش از ۱/۴۵ میلیون نفر به ۲/۶۲ میلیون نفر رسیده و ارزش تولیدات صنعتی نیز ۹۲ درصد بیشتر شد. در این دوره در بخش صنعت و معدن به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ و نرخ دلار سال ۱۳۶۹ (۳۹۴ ریال مساوی یک دلار) جمعاً ۳۰/۸۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده است که با نداشتن هرگونه تأثیر در بازدهی نیروی کار دو امکان مرتبط با هم را مطرح می‌کند که یا ارقام رسمی سرمایه‌گذاری غیرواقعی گزارش شده یا نوع سرمایه‌گذاری‌ها و ماشین‌آلات و تکنولوژی به کار گرفته شده متناسب

○ طبق نظر سنجی بانك مرکزی از مدیران صنایع درباره کاهش تولید، کافی نبودن تقاضا برای تولیدات کارگاهها، کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه، کهنگی و فرسودگی ماشین‌آلات یا نقص فنی ناشی از کمبود لوازم یدکی از علل کاهش تولید ذکر شده است.

جدول (۷): شاخص بازدهی نیروی کار در کشاورزی

سال	ایران	چین	تایلند	مالزی	هندوستان	پاکستان
۱۹۸۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹۸۷	۱۰۲/۳۷	۱۱۳/۷۴	۱۰۲/۶۹	۱۰۴/۷۷	۹۹/۹۳	۱۰۶/۷۰
۱۹۸۸	۹۹/۹۲	۱۲۶/۵۸	۱۰۲/۲۶	۱۰۷/۹۴	۹۹/۵۲	۱۰۴/۴۸
۱۹۸۹	۱۰۳/۳۱	۱۳۱/۴۸	۱۱۴/۴۴	۱۱۷/۹۰	۱۱۴/۲۹	۱۰۷/۹۲
۱۹۹۰	۱۱۱/۵۸	۱۳۴/۴۳	۹۴/۱۸	۱۲۴/۸۵	۱۱۴/۸۱	۱۰۸/۱۹
۱۹۹۱	۱۱۷/۲۱	۱۳۳/۲۰	۱۲۶/۹۹	۱۲۹/۱۶	۱۱۷/۳۴	۱۲۶/۴۳
۱۹۹۲	۱۲۵/۷۸	۱۳۲/۷۳	۱۳۱/۶۷	۱۴۳/۳۹	۱۱۷/۹۲	۱۳۰/۸۲
۱۹۹۳	۱۳۲/۵۷	۱۴۸/۲۸	۱۲۶/۵۲	۱۵۰/۴۰	۱۲۰/۳۴	۱۲۱/۴۱
۱۹۹۴	۱۳۵/۱۰	۱۴۶/۰۳	۱۵۱/۸۰	۱۵۴/۷۳	۱۲۱/۹۵	۱۱۷/۹۹
۱۹۹۵	۱۳۹/۹۹	۱۵۳/۰۳	۱۶۵/۳۸	۱۶۵/۳۸	۱۲۹/۲۵	۱۲۱/۸۴
۱۹۹۵	۱۰۳/۰	۱۶۳/۵۶	۱۵۲/۰۲	۱۵۲/۰۲	۱۳۰/۵۳	۱۲۴/۸۴

Asian Productivity Organization, Productivity Statistics, 1997, Tokyo 1997, table page 3: منبع

نیوده است. ۱۳۷۵.۷۹ میزان سرمایه‌گذاری‌های خود در ماشین‌آلات و لوازم کار را به طور متوسط سالانه ۱۳/۵ درصد کاهش داده ولی برعکس، بخش خصوصی در همین مدت ۱۰۰ درصد به سرمایه‌گذاری‌های خود در ماشین‌آلات و لوازم کار افزوده است (جدول ۴).

تحوّلات بودجه خانوار

درآمد سرانه واقعی مردم ایران در سال ۱۳۷۹ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ همان طور که در جدول (۱) دیده می‌شود تحت تأثیر دو عامل رشد جمعیت و عدم رشد کافی تولید ناخالص ملی در مقایسه با سال ۱۳۵۶ دقیقاً ۳۷/۹۷ درصد کاهش یافته است. این کاهش در سال پایانی جنگ قابل توجه است که بخش دولتی در دوره

رشد نرخ بازده در صنعت در دوره چهار ساله ۱۹۹۶-۱۹۹۹ به طور متوسط ۰/۷۸ درصد محاسبه شده است یعنی در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸ به ترتیب ۴/۰۵ و ۱/۵۹- درصد و در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۹ به ترتیب ۵/۱۳ و ۲/۶۲ درصد بوده است. منفی بودن نرخ بازده در صنعت در ۴ سال از ۱۰ سال اخیر (۱۹۹۹-۱۹۹۰) علیرغم سرمایه‌گذاری سالانه به طور متوسط حدود ۱/۴۷ میلیارد دلار به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ و نرخ مؤثر دلار در آن سال‌ها، بار دیگر بی‌تأثیری سرمایه‌گذاری در صنعت را در بازده عامل کار منعکس می‌سازد (جدول ۹).

جدول (۸): اشتغال بر حسب نوع فعالیت ۱۳۶۵-۱۳۷۴

هزار نفر

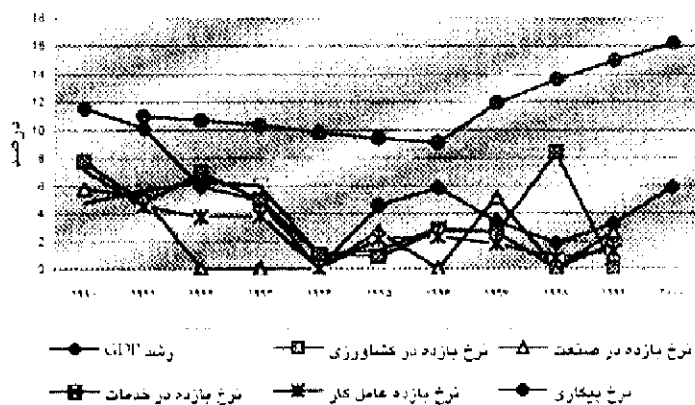
سال	جمع	کشاورزی	معادن	صنعت	برق، گاز، آب	ساخت‌مان	بازرگانی	حمل‌ونقل و ارتباطات	مالی	بخش عمومی
۱۳۶۵	۱۰۶۴۲	۳۱۹۱	۳۲	۱۴۵۱	۹۱	۱۲۰۶	۸۷۶	۶۳۱	۱۱۴	۳۰۵۰
۱۳۶۷	۱۱۳۳۳	۳۱۹۷	۵۱	۱۶۵۲	۱۰۵	۱۲۷۰	۱۰۰۶	۶۸۰	۱۴۱	۳۲۲۹
۱۳۶۹	۱۲۱۰۸	۳۲۰۲	۸۰	۱۸۸۶	۱۲۰	۱۳۳۷	۱۱۵۵	۷۳۴	۱۷۵	۳۴۱۹
۱۳۷۱	۱۲۹۸۶	۳۲۰۸	۱۲۷	۲۱۵۰	۱۳۸	۱۴۰۸	۱۳۲۷	۷۹۱	۲۱۷	۳۶۲۰
۱۳۷۲	۱۳۴۷۱	۳۲۱۱	۱۶۰	۲۲۹۶	۱۴۸	۱۴۴۵	۱۴۲۲	۸۲۲	۲۴۲	۳۷۲۵
۱۳۷۴	۱۴۵۴۲	۳۲۱۶	۲۵۳	۲۶۱۸	۱۷۱	۱۵۲۱	۱۶۳۳	۸۸۶	۳۰۰	۳۹۴۴

منبع: Asian Productivity Organization, Productivity Statistics, Tokyo, 1997 Table 5 page 50

جدول (۹): ایران، متغیرها و شاخص‌های عمده ۲۰۰۱-۱۹۹۰

سال	جمعیت (میلیون نفر)	رشد GDP	نرخ بازده در کشاورزی	نرخ بازده در صنعت	نرخ بازده در خدمات	نرخ بازده عامل کار	نرخ بیکاری	تعداد ISO 9000	تعداد ISO 14000
۱۹۹۰	۵۵/۷	۱۱/۵۳	۷/۷۶	۵/۸۱	۴/۷۸	۷/۱۷			
۱۹۹۲	۵۸/۹	۵/۹۲	۶/۹۲	۰/۰۵	۶/۳۰	۳/۷۷	۱۰/۷۰		
۱۹۹۳	۵۹/۷	۴/۹۳	۵/۰۱	-۴/۹۶	۵/۹۹	۳/۸۴	۱۰/۳۰		
۱۹۹۴	۶۰/۴	-۹/۹۲	۱/۰۴	-۱/۰۹	۱/۰۵	-۱۱/۶۳	۹/۸۰		
۱۹۹۵	۶۱/۵	۴/۵۵	۰/۸۵	۲/۷۰	۱/۳۱	۲/۱۹	۹/۴۰	۲	
۱۹۹۶	۶۲/۶	۵/۸۳	۲/۷۲	-۴/۰۵	۲/۹۴	۲/۳۲	۹/۱۰	۹۷	
۱۹۹۷	۶۳/۵	۳/۴۱	۲/۵۸	۵/۱۳	۲/۶۳	۱/۷۸	۱۱/۹۰	۱۳۱	۲
۱۹۹۸	۶۴/۳	۱/۸۴	۸/۳۸	-۱/۵۹	-۱/۴۵	۰/۷۶	۱۳/۶۰	۲۲۴	۸
۱۹۹۹	۶۵/۰	۳/۱۹	-۱/۳۷	۲/۶۲	۱/۷۴	۱/۲۸	۱۵/۰	۲۵۹	۱۲
۲۰۰۰	۶۶/۱	۵/۹					۱۶/۲		
۲۰۰۱	۶۷/۲	۴/۸							

منبع: Apo, 40th Anniversary, 1941-2001, Productivity Data of Apo member Countries, pp. 71-74, Tokyo, 2002



(۱۳۶۸) حدود ۶۴ درصد بوده است.

کاهش درآمدها و واقعی، به معنی کاهش قدرت خرید واقعی مردم یا کاهش بودجه خانوار است. طبق مطالعات بانک مرکزی ایران در دوره ۱۰ ساله ۷۹-۱۳۷۰ هزینه یک خانوار شهری از ۳/۹ میلیون ریال به ۲۷/۹ میلیون ریال افزایش یافت یعنی ۷/۲ برابر شد. تنها در دوره سه ساله ۱۳۷۷-۷۹ این هزینه‌ها ۷۳/۶ درصد در سال ۱۳۷۹ به تنهایی معادل ۱۹/۷ درصد افزایش یافته است. طبق معمول همه کشورهای در حال توسعه، خوراک (۳۳ درصد) و مسکن (۲۸/۶) بیش از ۶۰ درصد کل مخارج خانواده را تشکیل می‌دهد. افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و مخارج تحصیلی به علاوه هزینه مسکن

نقش عمده‌ای در افزایش کل هزینه داشته است (جدول ۱۰).

با توجه به افزایش ۵۹/۷ درصدی شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری در دوره سه ساله متوسط رشد قدرت خرید خانواده (مربکب از ۴/۶ نفر) در سال حدود ۴/۷ درصد یعنی نفری یک درصد بوده است. متوسط درآمدهای پولی و غیر پولی خانواده شهری در دوره ده ساله ۱۳۷۹-۱۳۷۰ تقریباً ۷/۸۳ برابر شد یعنی از ۳/۵ میلیون ریال به ۲۳/۶ میلیون ریال افزایش یافت. در دوره ۱۳۷۹-۱۳۷۵ درآمد اسمی خانوارهای شهری ۲/۲۹ برابر شده و با توجه به رشد قیمت‌ها معادل ۸۷/۴ درصد در همین دوره، درآمد واقعی پولی و غیره پولی خانواده در ۵ سال

○ کاهش اشتغال صنعتی
عارضه نامیمونی است که نه تنها در دست نبودن سیاستهای توسعه صنعتی اجرا شده را مورد تردید قرار می‌دهد بلکه در مورد سیاستهای بازرگانی و سیاستهای اجتماعی، رفاهی و توزیعی نیز پرسشهای متعددی را پیش می‌کشد.

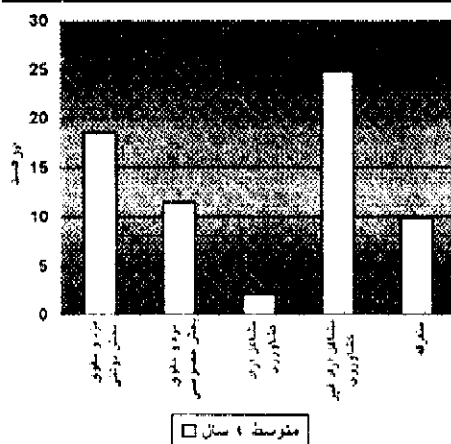
جدول (۱۰): متوسط درآمد و هزینه خانوارهای شهری سال‌های ۱۳۷۹

و متوسط چهار ساله ۷۹-۱۳۷۶

ردیف	انواع هزینه در سال ۱۳۷۹	هزینه خانگی (ریال)	درصد	متوسط چهار ساله (درصد)
۱	خوراکی، آشامیدنی، دخانیات	۹۰۴۸۳۱۵	۳۲/۴	۳۳/۰۰
۲	بوشاک و کفش	۲۱۶۰۰۹۶	۷/۸	۸/۴۸
۳	مسکن، سوخت، آب و برق	۷۸۵۵۱۷۶	۲۸/۲	۲۸/۶۳
۴	لوازم و اثاث و خدمات منزل	۱۸۷۹۹۷۵	۶/۷	۶/۷۰
۵	بهداشت و درمان	۱۲۹۹۹۳۲	۴/۷	۴/۷۸
۶	حمل و نقل و ارتباطات	۲۹۰۰۶۱۹	۱۰/۴	۹/۵۵
۷	تفریح، سرگرمی، تحصیل و خدمات فرهنگی	۱۰۸۳۶۰۶	۳/۹	۳/۵۳
۸	کالاها و خدمات متفرقه	۱۶۵۷۷۴۸	۵/۹	۵/۳۵
۹	کل هزینه	۲۷۸۸۵۶۶۷	۱۰۰	
۱۰	افزایش در دوره سه ساله ۱۳۷۷-۷۹ افزایش سال ۱۳۷۹		۷۳/۶ ۱۹/۷	

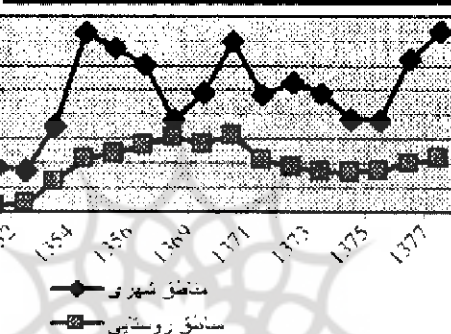
منبع: بانک مرکزی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی - اداره آمار جدول متوسط هزینه - درآمد، ریز هزینه‌ها و مقدار مصرف خانوار مناطق شهری ۷۹-۱۳۷۶، تهران ۱۳۸۱.

نمودار ۱۰: متوسط در آمد خالص ۷۹-۱۳۷۶



○ شدت گرفتن مسأله بیکاری در سالهای پس از ۱۳۷۴ معلول دو عامل رشد سریع جمعیت و کاهش سرعت رشد اقتصادی در سالهای پس از ۱۳۷۳ بوده است.

نمودار ۱۱



می نمایند. داشتن شغل دوم و سوم و مسافر کشی یا انجام دادوستدهای غیرمجاز از جمله این منابع درآمدی است.

کاهش خرید کالاهای مصرفی با دوام

خرید کالاهای مصرفی با دوام مانند فرش، یخچال، تلویزیون، رادیو، بخاری، کولر و اتومبیل برای خانواده یک نوع سرمایه گذاری است که باعث ارتقاء سطح زندگی و رفاه خانواده می شود. این نوع سرمایه گذاری ها مستلزم آن است که درآمد خانواده در طی سال گذشته از پوشش مخارج مختلف ضروری (غذا، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت، تفریحات و...) آنقدر زیاد باشد که اولاً خانواده را قادر به خرید کالاهای مصرفی با دوام نماید و ثانیاً سال به سال بر پس اندازهای نقدی و شبه نقدی آن بیفزاید یا به عبارت دیگر خانواده ثروتمند شود.

در هر جامعه با در نظر داشتن نرخ رشد جمعیت بین افزایش درآمد ملی، درآمد سرانه و کل پس انداز ملی رابطه مستقیم وجود دارد. افزایش درآمد ملی پس انداز ملی را افزایش می دهد و درآمد سرانه افراد را نیز بالا می برد. در دوره ۱۳۴۸-۵۶ درآمد ملی در مقایسه با سال ۱۳۴۸ معادل ۳۹۶ درصد،

اخیر در حال افزایش بوده است. شکاف بین خالص هزینه ها و درآمد خالص خانواده ها و نیز سهم ۶ درصدی فروش کالاهای دست دوم در بودجه خانوار نشان می دهد که خانواده های شهری به طریقی مخارج جاری زندگی خود را تأمین

جدول (۱۱): خرید کالاهای مصرفی با دوام به قیمت های ثابت سال ۱۳۳۹

(میلیارد ریال)

سال	کل کشور	مناطق شهری	مناطق روستایی
۱۳۴۸	۱۳۵/۵	۱۰۰/۸	۳۵/۴
۱۳۵۰	۳۴۰/۹	۲۷۸/۹	۶۲/۰
۱۳۵۲	۴۰۸/۰۰	۳۴۲/۷	۶۵/۳
۱۳۵۴	۱۹۰۰/۴	۱۴۶۹/۸	۴۳۱/۲
۱۳۵۶	۱۷۳۸/۹	۱۲۰۰/۹	۵۳۸/۰
۱۳۶۸	۱۳۴۸/۳	۷۴۶/۸	۶۰۱/۵
۱۳۷۰	۲۰۲۳/۰	۱۳۹۸/۶	۶۲۴/۴
۱۳۷۲	۱۴۲۴/۲	۱۰۵۹/۲	۳۶۵/۰
۱۳۷۴	۱۰۷۹/۵	۷۵۶/۰۰	۳۲۳/۵
۱۳۷۶	۱۶۴۹/۲	۱۲۵۶/۰	۳۹۳/۲
۱۳۷۸			
۱۳۷۹			

منابع ذکر شده در جدول ۴: جدول ۵۴، ب، ۵۵، ب، ۵۶، ب و ۵۶-د.

جدول (۱۲): درآمد خالص در سال ۱۳۷۹

ردیف	انواع درآمد در سال ۱۳۷۹	درصد	متوسط ۵ ساله
۱	مزد و حقوق - بخش دولتی	۱۹/۸	۱۸/۵
۲	مزد و حقوق - بخش خصوصی	۱۲/۲	۱۱/۴
۳	مشاغل آزاد کشاورزی	۲/۴	۲/۸
۴	مشاغل آزاد غیر کشاورزی	۲۵/۳	۲۴/۹
۵	متفرقه	۱۱/۳	۹/۸
۶	سایر		
۷	درآمدهای غیر بولی*	۲۹/۱۵	۲۷/۲
۸	کل درآمد بولی و غیر بولی	۱۰۰	۱۰۰
۹	افزایش در دوره ۳ ساله ۱۳۷۷-۷۹	۷۸/۴	

* ارزش جاری مسکن شخصی، مسکن رایگان و خدمات در مقابل مزد و حقوق، تولید برای مصرف در خانه
منابع: استخراج و محاسبه درصدها توسط نویسنده از بانک مرکزی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۷۹، تهران، دی ماه ۱۳۸۰، جدول ۳ صفحه ۱۷ و جدول ۸ صفحه ۲۳.

پس انداز ملی ۱۲۰۰ درصد و درآمد سرانه ۳۰۰ درصد افزایش یافت. این ثروتمند شدن تک تک افراد کشور با وجود افزایش ۶/۷ میلیون نفری جمعیت کل، باعث شد که خانواده‌ها، خرید کالاهای مصرفی بادوام خود را ۱۸۳ درصد افزایش دهند (جدول ۱۱). این افزایش در مناطق شهری ۱۱۰۰ درصد و در مناطق روستایی ۱۴۲۰ درصد بوده است.

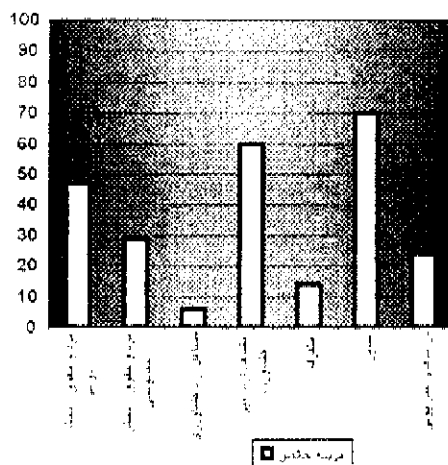
رشد درآمد ملی به قسمت‌های ثابت سال ۱۳۶۹ نسبت به سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۷۷ تنها ۱۷/۶ درصد، رشد پس انداز ملی منتهای ۹۰ درصد و سقوط درآمد سرانه ۴۴ درصد (جدول ۱) بوده است. در چنین شرایط درآمدی، خرید کالاهای مصرفی بادوام سالانه، تنها نیم درصد رشد داشته است که با توجه به افزایش ۳۰ میلیون نفری جمعیت (تا سال ۱۳۷۷) معرف این واقعیت است که جامعه فاقد درآمد و پس انداز کافی فاقد قدرت خرید لوازم و کالاهای مصرفی بادوام است. نکته‌ای که مشکل را برای تولید کنندگان داخلی دوچندان سنگین می کند این است که بیشتر این تقاضا توسط کالاهای خارجی ارضا می شود که منشأ واردات آنها مورد سؤال است. از سال ۱۳۶۸ یعنی خاتمه جنگ تا سال ۱۳۷۷ خرید کالاهای مصرفی بادوام به طور متوسط سالانه حدود ۴/۲ درصد رشد داشته است ولی در سطح روستاها هنوز ۱۰ درصد از سطح سال ۱۳۵۶ کمتر است. نکته بسیار مهم افزایش ۱۶ درصدی خرید کالاهای

مصرفی بادوام در دوره ۱۰ ساله ۱۳۶۸-۷۷ توسط مردم شهرها و کاهش ۱۸ درصدی خرید کالاهای توسط خانوارهای روستایی است که با وجود تعداد افراد بیشتر در خانوار روستایی مسائلی را از نظر کمبود تقاضا در روستاها مطرح می سازد (جدول ۱۲).

کاهش استفاده از ظرفیت تولیدی ماشین آلات

یکی از عوامل کاهش رشد اقتصادی عدم استفاده کامل از امکانات و ظرفیت‌ها به علل مختلف است. کاهش استفاده از ظرفیت‌ها در سالهای اخیر در صنایع ایران شدت گرفته است که ساده ترین اثر آن کاهش سطح اشتغال و تولید و بالا رفتن قیمت تمام شده کالاهاست.

نمودار ۱۲: درآمد خالص در سال ۱۳۷۹



○ در حال حاضر از ۲/۴

میلیون نفر فارغ التحصیل دانشگاهی، بیش از یک پنجم آنان بیکارند و این امر گذشته از مشکلات اقتصادی برای خانواده‌ها بی‌آمدهای منفی اجتماعی و سیاسی نیز داشته است.

طبق مطالعات اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران در دوره سه ساله ۱۳۷۷-۷۹ تنها ۳۶/۸ درصد کارگاههای بزرگ کشور با ظرفیت ۸۱ درصد و بیشتر کار می کرده اند. ۱۳/۴ درصد کارگاهها با ظرفیت زیر ۴۰ درصد، و ۲۰/۹ درصد با ظرفیت بین ۴۱-۶۰ درصد مشغول بوده اند.

کاهش میزان تولید کارگاههای صنعتی

طبق نظرسنجی بانک مرکزی از مدیران صنایع درباره علل کاهش تولید، ۶۱/۶ درصد واحدها کافی نبودن تقاضا برای تولیدات کارگاهها را علت اصلی ذکر کرده اند. کمبود نقدینگی، کمبود مواد اولیه، کهنگی و فرسودگی ماشین آلات یا نقص فنی ناشی از کمبود لوازم بدکی از دیگر علل کاهش تولید ذکر شده است. کافی نبودن تقاضا غیر از کاهش تولید باعث بالا رفتن موجودی انبارها و افزایش هزینه نگهداری کالا و ایجاد اشکالات نقدینگی برای واحدهای تولیدی شده است که

این ارقام در سه ماهه دوم سال ۱۳۸۰ به شرح زیر سقوط کرده است: استفاده از ظرفیت ۸۱ درصد به بالا ۲۸/۹ درصد کارگاهها، ۲۴/۳ درصد کارگاهها با ظرفیت زیر ۴۰ درصد و ۲۰/۷ درصد با ظرفیت ۴۱-۶۰ درصد و ۲۶/۸ درصد کارگاهها با ظرفیت ۶۱-۸۰ درصد (در مقایسه با ۲۸/۹ درصد در سالهای ۱۳۷۷-۷۹) مشغول بوده اند. به عبارت دیگر، در سه ماهه دوم سال ۱۳۸۰ از درصد کارگاههایی که از

○ ایجاد اشتغال جدید در اقتصاد ایران تنها با اصلاح احیای بخش خدمات بویژه بخش حمل و نقل، توریسم، هتلداری، ارتباطات و صنایع با تکنولوژی بالا و صنایع فرآورده های غذایی با هدف صادرات، و تنها در صورت اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی ایران با جهان امکان پذیر است.

جدول (۱۲): شاخص اشتغال کارکنان کارگاههای بزرگ صنعتی کشور

مقایسه شش ماهه اول سال ۱۳۷۹ با شش ماهه اول سال ۱۳۸۰ (بازه ۱۰۰-۱۳۷۶)

افزایش - کاهش	شش ماهه اول سال ۱۳۸۰	شش ماهه اول سال ۱۳۷۹	
			کل
-۰/۹	۱۰۰/۹	۱۰۱/۸	مواد غذایی و آشامیدنی
-۲/۸	۹۴/۱	۹۶/۱	تولید محصولات نوتونی و تنباکو
۰/۰	۱۰۰/۶	۱۰۰/۶	تولید منسوجات
-۵/۲	۸۵/۱	۹۰/۴	تولید پوشاک و پوست
۳/۳	۴۷/۱	۴۵/۶	چرم و مصنوعات چرم
-۱۵/۶	۶۲/۴	۷۳/۹	چوب و محصولات چوبی
۰/۵	۹۱/۸	۹۱/۳	کاغذ و محصولات
-۰/۷	۹۰/۸	۹۱/۴	فرآورده های نفتی
-۵/۰	۹۸/۳	۱۰۳/۵	مواد و محصولات شیمیایی
-۰/۸	۱۱۵/۰	۱۱۵/۹	محصولات لاستیکی و پلاستیکی
-۰/۷	۱۰۶/۲	۱۰۷/۰	محصولات کانی غیر فلزی
-۰/۱	۱۰۲/۹	۱۰۳/۰	فلزات اساسی
۲/۸	۱۰۵/۵	۱۰۳/۳	فلزی فابریکی غیر از ماشین آلات
-۱/۱	۱۰۷/۷	۱۱۱/۹	ماشین آلات و تجهیزات
۰	۱۰۴/۴	۱۰۴/۴	ماشین آلات مولد و انتقال نیرو
-۱/۳	۱۱۰/۶	۱۱۲	رادیو، تلویزیون و دستگاه های ارتباطی
-۶/۲	۹۳/۱	۹۹/۳	ابزار پزشکی، اپتیکی، ساعت
۱۰/۹	۱۰۷/۹	۹۷/۳	وسایل نقلیه موتوری
۷/۹	۱۴۳/۱	۱۳۲/۶	تولید سایر وسایل نقلیه
۴/۷	۱۲۴/۸	۱۱۹/۲	تولید مبلمان و مصنوعات
-۰/۹	۱۳۵/۶	۱۳۶/۸	سایر مصنوعات
-۸/۵	۷۶/۴	۸۳/۵	

منبع: بانک مرکزی، مدیریت کل آمار نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در شش ماهه اول سال ۱۳۸۰، جدول ۳ صفحات ۱۹۲-۱۹۳، بهمن ماه ۱۳۸۰.

۵۳/۲ درصد کارگاهها با آن مواجه‌اند. ۲۹/۴ درصد مدیران صنایع منتخب، کاهش تقاضا برای تولیدات کارگاه به علت پایین بودن قدرت خرید متقاضیان را از علل افزایش موجودی انبارها ذکر کرده‌اند. قابل توجه است که ۷۳/۷ درصد واحدها فاقد صادرات بوده‌اند و از واحدهای دارای صادرات ۳۶/۸ درصد آنها با کاهش صادرات در سه ماهه دوم سال ۱۳۸۰ در مقایسه با مدت مشابه سال قبل مواجه بوده‌اند.

کاهش اشتغال صنعتی و تعطیلی واحدها

واحدهای تولیدی در حال حاضر شاهد و درگیر مسائل زیادی هستند که نبود تقاضا برای محصولات و شدت گرفتن رقابت برای بازار محدود (بدون تأثیر بر سطح قیمت‌ها) از جمله آنهاست. صدور دهها هزار موافقت اصولی با تأسیس کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی در سال‌های پس از ۱۳۶۸ هر چند باعث گزیدگی طی دوره ۱۳۷۵-۷۹ سالانه حدود ۳۲۰۰ واحد صنعتی به کشور اضافه شود ولی تعداد موافقت اصولی صادره در همین مدت سالانه ۱۷۰۰۰ عدد بوده است که نشان می‌دهد طی این دوره صدور موافقت اصولی به تأسیس واحد منجر نشده است.

سیاست صدور مجوز سریع که ظاهرآ با هدف آزادسازی شروع فعالیت‌های تولیدی در سال‌های ۱۳۶۸ به بعد بویژه در سال‌های ۱۳۶۸-۷۲ اعمال گردید، گذشته از ایجاد تقاضای زیاد برای تأسیسات زیربنایی آب، برق، تلفن، جاده و وسایل حمل و نقل زمینی، رقابت و فشار برای گرفتن ارز با

نرخ‌های یارانه‌ای (در ابتدا دلار ۷۵ ریالی) را به شدت افزایش داد و انحراف و فساد شدیدی را به نظام اقتصادی کشور تزریق کرد. احداث صدها شهرک صنعتی هنوز ناتمام، با واحدهای نیمه تمام و نیمه تعطیل در سراسر کشور که نشانه اتلاف و استهلاک سرمایه‌های ملی است نتیجه دیگر چنین سیاستی بوده است. اشباع

انبارها، کار کردن با ظرفیت‌های پایین، تحمل هزینه‌های بالاسری زیاد و گران بودن قیمت تمام شده در شرایط کمبود تقاضای داخلی و بسته بودن بازارهای خارجی به روی تولیدات صنعتی داخلی، پی آمدهای دیگر سیاست‌های توسعه صنعتی و سیاست‌های بازرگانی کشور است. پی آمد دیگر چنان سیاست‌هایی شروع اخراج کارگران صنعتی توسط واحدهای تولیدی و افزودن به مشکل بیکاری است. طبق بررسی‌های بانک مرکزی ایران (جدول ۱۳) اشتغال صنعتی در کارگاه‌های بزرگ کشور در شش ماهه اول سال ۱۳۸۰ معادل ۰/۹ درصد از شش ماهه اول سال ۱۳۷۹ کمتر بوده است. با توجه به نیروی کار صنعتی کشور هر یک درصد کاهش اشتغال صنعتی معرف کاهش حدود ۳۰۰۰۰ شغل صنعتی در کشور است. در بین ۲۱ رشته فعالیت صنعتی، شاخص اشتغال در صنایع تولید پوشاک بیشترین کاهش، معادل ۴۷/۱ درصد (۱۰۰=۱۳۷۶) را در سال‌های اخیر داشته است. در شش ماهه اول سال ۱۳۸۰ در مقایسه با شش ماهه اول سال ۱۳۷۹ کاهش اشتغال صنعتی در رشته چرم و مصنوعات ۱۵/۶ درصد، تولید منسوجات ۵/۲ درصد، فرآورده‌های نفتی ۵ درصد، رادیو، تلویزیون و دستگاه‌های ارتباطی ۶/۲ درصد و مواد غذایی و آشامیدنی ۲/۲ درصد بوده است. رشته‌های مولد اشتغال تولید ابزار پزشکی، اپتیکی و ساعت بارشد ۱۰/۹ درصد، تولید وسایل نقلیه موتوری بارشد ۷/۹ درصد، تولید سایر وسایل نقلیه موتوری ۴/۷ درصد بوده است. ولی در هر حال کاهش اشتغال صنعتی

○ رشد اندک اقتصادی با وجود امکانات فراوان بویژه پیش از ۴۶۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی و غیر نفتی، معرف وجود سه عامل خروج سرمایه‌ها از کشور، اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری نامناسب، و بویژه سوء مدیریت و اتلاف شدید وقت، مواد، امکانات، ماشین‌آلات، انرژی و مواد اولیه در اقتصاد کشور است.

نمودار ۱۳: شاخص اشتغال کارکنان کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور مقایسه شش ماهه اول سال ۱۳۷۹ با شش ماهه دوم سال ۱۳۸۰



سالانه ۴/۷ درصد محاسبه شده است (جدول ۱۴). طبق اهداف برنامه سوم، اقتصاد ایران می‌بایست سالانه ۷۵۰ هزار شغل جدید ایجاد کند. ولی طبق اظهار نظر مقامات رسمی در سال ۱۳۷۹ که کشور (در اثر افزایش قیمت نفت و افزایش ۱۰ میلیارد دلاری درآمدهای نفتی) بهترین وضعیت اقتصادی را در سال‌های اخیر داشته است. تعداد شغل ایجاد شده از ۴۰۰ هزار بیشتر نبوده است. اگر چه با طرح‌های ضربتی، بوعد ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید (صنعتی) داده شده و مبلغ ۹۰۰ میلیارد تومان برای این کار اختصاص یافته است ولی به طوری که در قسمت قبل دیدیم صنعت ایران در حال حاضر حتی قادر به حفظ سطح اشتغال فعلی خود نیست. ایجاد اشتغال جدید در اقتصاد ایران تنها با اصلاح و تجدید حیات بخش خدمات، بویژه بخش حمل و نقل، توریسم، هتل‌داری، ارتباطات و صنایع با تکنولوژی بالا و صنایع فرآورده‌های غذایی با هدف صادرات و تنها در صورت اصلاح روابط اقتصادی و سیاسی ایران با جهان امکان‌پذیر است. عاملی که در درازمدت باعث کاهش فشار عرضه در بازار کار خواهد شد کاهش نرخ باروری و ولادت در کشور است که نشان می‌دهد تعداد متولدین در سال ۱۳۷۹ حدود ۸۰ هزار نفر از سال ۱۳۷۸ کمتر بوده است. این روند نزولی هم اینک جمعیت در سن ۰-۴ ساله ۲/۳۱ میلیون نفر از گروه سنی ۵-۹ سال کمتر کرده است، ولی خطری که در پیش است رسیدن جوانان متولد بعد از انقلاب (۳۰ میلیون نفر) به سن ازدواج است که در صورت عدم اعمال پیشگیری و کنترل، موج تازه‌ای از رشد جمعیت را ایجاد خواهد کرد (جدول ۱۵).

از سوی دیگر عقب‌انداختن ازدواج توسط مردان

عارضه نامیمونی است که نه تنها درست بودن سیاست‌های توسعه صنعتی اجرا شده را مورد سؤال قرار می‌دهد بلکه در مورد سیاست‌های بازرگانی، سیاست‌های اجتماعی و رفاهی و توزیعی نیز پرسش‌های متعددی را پیش می‌کشد.

مسئله بیکاری و اشتغال

شدت گرفتن مسئله بیکاری در سال‌های پس از ۱۳۷۴ معلول دو عامل رشد حدود ۳/۹ درصدی جمعیت در سال‌های ۱۳۵۸-۶۳ که حدود ۱۷ میلیون نفر جمعیت اضافی برای کشور ایجاد کرد و کاهش سرعت رشد اقتصادی در سال‌های بعد از ۱۳۷۳ است. با محاسبه جمعیت در سن کار (۱۵-۶۴ سال) طبق ارقام ترکیب سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۸۰، در حال حاضر در کشور ۳۳/۷ میلیون نفر در سن کار می‌باشند (جدول ۱۴).

جدول ترکیب هر سنی جمعیت کل، جمعیت کشور را ۶۰/۰۲۳۱ میلیون نفر نشان می‌دهد که با جمعیت رسمی تا به حال ارائه شده (۶۴/۹۴۷ میلیون نفر) حدود ۵ میلیون نفر تفاوت دارد که موضوع وجود ۵ تا ۷ میلیون شناسنامه جعلی را در روزهای اخیر مطرح کرده است.

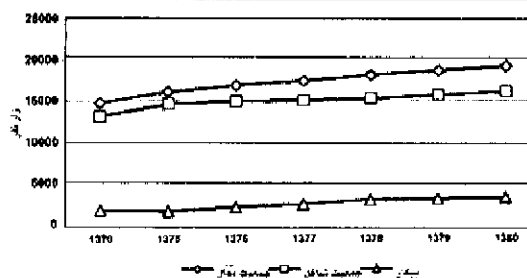
با محاسبه جمعیت غیر فعال در سن کار (دانش‌آموزان، دانشجویان، زنان خانه‌دار، سربازان، معلولین و غیره) جمعیت فعال در سن کار کشور، رسماً ۱۹/۱۱۵ میلیون نفر گزارش شده است که در سال ۱۳۸۰ حدود ۸۳ درصد آنها شاغل بوده‌اند. نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۸۰ برابر ۱/۷ درصد، نرخ رشد جمعیت فعال سالانه ۳ درصد، نرخ رشد جمعیت شاغل ۲/۶ درصد و نرخ رشد بیکاران

○ سوء مدیریت خود ناشی از فقدان اقتصاد باز، رقابتی و خصوصی و به عبارتی دیگر، دولتی و بنیادی و نهادی شدن اقتصاد است که سر نوشت بیش از ۷۰ درصد اقتصاد را در دست کسانی قرار داده است که انگیزه و تخصص لازم را برای حفظ توسعه آن نداشته‌اند.

جدول (۱۴): جمعیت فعال، جمعیت شاغل و بیکار، ۱۳۸۰-۱۳۷۰ (هزار نفر)

نوع رشد منظور شده سال ۱۳۸۰	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	۱۳۷۰	
۱/۷	۶۴۹۴۷	۶۳۸۶۲	۶۲۸۱۷	۶۱۸۴۲	۶۰۹۹۴	۶۰۰۵۵	۵۵۸۳۷	جمعیت کل
۳/۰	۱۹۱۱۵	۱۸۵۵۹	۱۸۰۲۰	۱۷۳۱۲	۱۶۸۰۲	۱۶۰۲۷	۱۴۷۳۷	جمعیت فعال
۲/۶	۱۵۹۸۱	۱۵۵۷۶	۱۵۱۷۷	۱۴۹۶۳	۱۴۸۰۳	۱۴۵۷۱	۱۳۰۹۷	جمعیت شاغل
۴/۷	۳۱۲۴	۲۹۸۳	۲۸۴۳	۲۳۴۹	۱۹۹۹	۱۴۵۶	۱۶۴۰	بیکار

جدول جمعیت بر حسب هر سنی که اخیراً در مجلس شورای اسلامی توزیع گردیده است کل جمعیت کشور در سال ۱۳۸۰ را برابر ۶۰۰۲۳۰۰۰۰ میلیون نفر نشان می‌دهد. جمعیت در سن کار (۱۶-۶۴ سال) در سال ۱۳۸۰ طبق این جدول ۳۳/۷ میلیون نفر محاسبه می‌شود. منبع: بانک مرکزی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۷۹، جدول ۴۵ صفحه ۵۰ و محاسبات نویسنده.



سال هاست. رشد اندک اقتصادی علیرغم وجود امکانات فراوان بویژه بیش از ۴۶۰ میلیارد دلار درآمدهای ارزی نفتی و غیر نفتی، معرف وجود سه عامل خروج سرمایه‌ها از کشور، اجرای سیاست‌های سرمایه‌گذاری نامناسب و بویژه سوءمدیریت و وجود اتلاف شدید وقت، مواد، امکانات، ماشین‌آلات، انرژی و مواد اولیه در اقتصاد کشور است.

سوءمدیریت، خودناشی از فقدان اقتصاد باز، رقابتی و خصوصی یا برعکس و به عبارتی دیگر دولتی و بنیادی و نهادی شدن اقتصاد است که سرنوشته بیش از ۷۰ درصد اقتصاد را در اختیار کسانی گذاشته است که انگیزه و تخصص لازم برای حفظ و توسعه آن نداشته‌اند.

رکود نسبی اقتصاد صرف نظر از عدم جذب نیروی کار به کاهش شدید پدیس انداز ملی معادل ۶۳ درصد در سالهای ۷۹-۱۳۵۶ و کاهش درآمد سرانه هر فرد ایرانی به میزان ۳۶ درصد در همین دوره

در اثریدی وضع مادی (ناحدود ۴ سال) و تفاوت سنی مردان و زنان در موقع ازدواج (حدود سه تا ۴ سال)، موج جدید و شدید دختران در سن ازدواج متولد بعد از انقلاب را با کمبود تقاضای ازدواج مواجه می‌کند که در شرایط کمبود کار و رواج بیکاری در جامعه مشکلات اجتماعی و سیاسی تازه‌ای ایجاد می‌نماید.

خلاصه و نتیجه

اقتصاد ایران در حال حاضر با پنج مشکل مرتبط به هم روبروست.

مشکل اول مسأله بیکاری فزاینده جمعیت فعال در سن کار و داوطلب کار است که حتی طبق ارقام رسمی در سال ۱۳۸۰ از مرز ۳/۲ میلیون نفر گذشته است (حدود ۱۸ درصد). با احتساب افراد در سن کار ناامید شده از یافتن کار، و بانوان خانه‌دار سرگرم شده به کار خانه‌داری و بچه‌داری و راضی شدن به عدم عرضه نیروی کار خود، رقم بیکاران بالقوه و بالفعل به بیش از ۶ میلیون نفر و جمعیت فعال بالقوه به جای ۱۸/۲ میلیون نفر به حدود ۲۱ میلیون نفر می‌رسد.

نکته‌ای که مسأله بیکاری را احادتر می‌کند تمرکز جمعیت بالقوه فعال در شهرها و تمرکز و ازدیاد جمعیت جوانان با سواد بیکار شامل تعداد فزاینده بانوان تحصیلکرده بیکار در مراکز شهری است. در حوال حاضر از ۲/۴ میلیون نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهی، بیش از یک پنجم آنان بیکارند و این امر علاوه بر مشکلات اقتصادی برای خانواده‌هایی آمدهای بسیار منفی از نظر اجتماعی-سیاسی ایجاد کرده است.

ناتوانی اقتصاد ایران: مشکل فزاینده بیکاری از سوی دیگر مرتبط با رکود نسبی اقتصاد ایران در دوره ۲۳ ساله (بارشده ۱/۹ درصد به طور متوسط) در مقایسه با افزایش ۳۰ میلیون نفری جمعیت در این

○ عدم سرمایه‌گذاری کافی در ماشین‌آلات و تکنولوژی روز در مقابل افزایش نیروی کار سبب کاهش تجمع سرمایه/نیروی کار در واحدهای تولیدگر دیده و عدم رشد کارایی نیروی کار را سبب شده است. از این نظر ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی در رده آخر قرار دارد.

جدول (۱۵): ترکیب سنی جمعیت ایران آمار ۱۳۸۰

سن - سال	تعداد جمعیت / نفر
۰-۴	۶۱۶۳۰۲۴
۵-۹	۸۴۸۱۸۴۵
۱۰-۱۴	۹۰۸۰۶۷۶
۱۵-۱۹	۷۱۱۵۵۲۷
۲۰-۲۴	۵۲۲۱۹۸۲
۲۵-۲۹	۴۷۰۹۱۵۴
۳۰-۳۴	۳۹۸۰۰۶۶
۳۵-۳۹	۳۵۷۱۷۷۹
۴۰-۴۴	۲۸۱۲۰۸۶
۴۵-۴۹	۲۰۱۳۰۴۰
۵۰-۵۴	۱۵۲۹۰۷۸
۵۵-۵۹	۱۳۶۶۲۲۸
۶۰-۶۴	۱۳۸۲۹۳۶
۶۵-۶۹	۱۰۷۶۳۷۳
۷۰-۷۴	۸۴۶۵۰۹
۷۵-۷۹	۳۶۴۱۱۸
۸۰-۸۴	۱۴۶۴۷۰
۸۵-۹۰	۷۶۴۷۶
۹۰-۹۴	۴۴۷۸۰
۹۵ به بالا	۴۰۴۵۰
میانگین سنی	۲۴/۳
میانه سنی	۱۹

نامرغوب بودن کالاهای تولید داخلی متوجه کالاهای قاچاق وارداتی نماید. جانشینی قاچاق، تقاضای کالاهای تولیدی داخلی را شدیداً کاهش داده است.

ورود کالاهای قاچاق یا غیر مجاز خارجی به کشور، بنابه نوشته‌ها و شنیده‌ها از چهار منبع و راه زیر صورت می‌گیرد:

۱. قاچاق کالا توسط افراد به طور فردی یا جمعی و با کمک افراد مشهور به چتر باز که از مرز ارومیه تا چاه بهار گسترش یافته است؛

۲. قاچاق کالا توسط ارگانهای دولتی-نهادی از اسکله‌های غیر مجاز؛

۳. قاچاق کالا توسط ارگان‌ها در ساعات غیر اداری از گمرکات رسمی کشور؛

۴. ورود مجاز و غیر مجاز کالاها در سفرهای زیارتی که برای رونق این نوع درخواست‌ها و سفرها، مقررات گمرکی و تجاری به دستور مقامات بالا توسط مأمورین نادیده گرفته می‌شود.

گذشته از قاچاق کالا، چندنرخ بودن ارز بویژه امکان استفاده از ارز باقیمت ارزان برای بعضی از دستگاه‌های دولتی و امکان کسب مجوزهای آسان، دستگاه‌های دولتی را به انتقال تقاضای خود به خارج تشویق کرده است.

عامل دیگری که به تشویق قاچاق دامن زده بی‌اعتنایی مدیران به تغییرات ساختاری جمعیت کشور در دوره بیست و سه ساله بوده است. در حالی که سیاست‌های توسعه صنعتی معطوف به تولید کالاهای مرتبط با صنایع سنگین یا کالاهای مصرفی اساسی خانواده‌ها بوده است ۳۰ میلیون جمعیت متولد شده بعد از انقلاب تحت تأثیر جوانی و نقش

منجر شده است. رکن اصلی پس انداز ملی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کشور است که طی سالهای مورد بررسی ۵۴ درصد سقوط کرده است.

تشکیل سرمایه در بخش صنعت و معدن در همین مدت ۵۰ درصد از سال ۱۳۵۶ کمتر شده است. به دنبال تحولات منفی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و لوازم کار در کل اقتصاد نیز ۲۵/۵ درصد کمتر بوده و بخش صنعت و معدن در سال ۱۳۷۹ دقیقاً ۲۴/۵ درصد کمتر از سال ۱۳۵۶ در ماشین‌آلات و لوازم کار سرمایه‌گذاری کرده و بیشترین افت سرمایه‌گذاری در ماشین‌مربوط به ماشین‌آلات و لوازم کار وارداتی (۵۳ درصد) است که اقتصاد را دقیقاً از ورود تکنولوژی و امکان بهبود استانداردها محروم ساخته است.

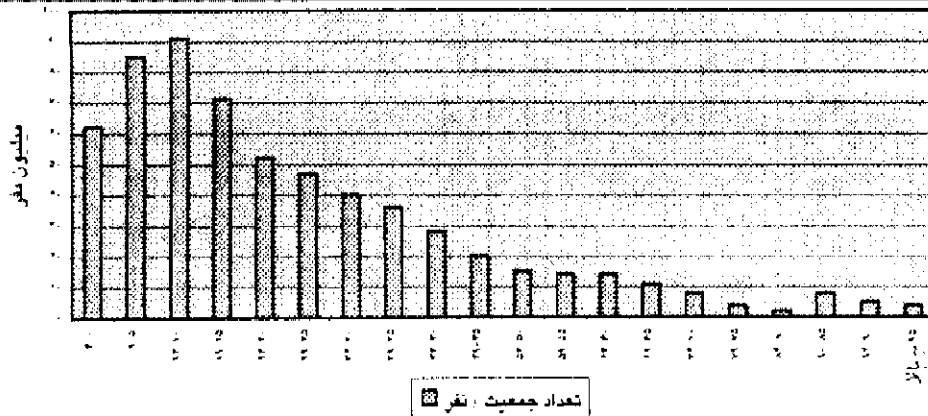
عدم سرمایه‌گذاری کافی در ماشین‌آلات و تکنولوژی روز در مقابل افزایش نیروی کار سبب کاهش تجمع سرمایه/نیروی کار در واحدهای تولید گردیده و عدم رشد کارایی نیروی کار را سبب شده است. از این نظر ایران در مقایسه با سایر کشورهای آسیایی در رده آخر قرار دارد.

بازده اندک نیروی کار که از یک سوره‌سور شد اندک اقتصاد را سبب شده است از سوی دیگر مانع افزایش دستمزدهای واقعی کارگران و حقوق‌بگیران و قدرت خرید آنهاست. پایین بودن و عدم رشد کافی در آمد واقعی مردم از یک سو و ضرورت تأمین نیازهای اولیه روزمره از سوی دیگر باعث گردیده است که اولاً جامعه خرید کالاهای مصرفی یا دوام خود را طی ۲۰ سال (علیرغم ۳۰ میلیون افزایش جمعیت) نسبتاً ثابت نگاه دارد (رشد سالانه فقط ۰/۵ درصد) و ثانیاً قسمت عمده‌ای از این تقاضا را بواسطه گرانی و

مشکل بیکاری در

کوتاه مدت قسابل حل نیست. طرح ایجاد ۳۰۰ هزار شغل از طریق دادن وامهای ۳ میلیون تومانی به واحدهای تولیدی در شرایط کمبود تقاضای مؤثر برای تولیدات داخلی و بسته بودن بازارها ممکن است تنها در کوتاه مدت اشتغال کاذب با هدف استفاده از یارانه نرخ بهره این قبیل اعتبارات ایجاد کند.

نمودار ۱۵: هر ۳ سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۸۰



منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمارهای اقتصادی، نتایج بررسی کارگاههای بزرگ صنعتی کشور در ششماهه اول سال ۱۳۸۰، تهران، بهمن ۱۳۸۰.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، نظرسنجی از مدیران کارگاههای مورد بررسی، ششماهه دوم سال ۱۳۸۰، تهران ۱۳۸۰.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، مجله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاملهای ۲۶۹، ۲۷۰، ششماهه اول و دوم سال ۱۳۸۰، تهران ۱۳۸۰.
۴. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای ملی، جدول حسابهای ملی به قیمت جاری ۱۳۷۷-۱۳۳۸، تهران، اسفند ۱۳۷۹.
۵. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، چهل سال حسابهای ملی ایران ۱۳۷۷-۱۳۳۸ (با آخرین تجدید نظر و اصلاحات)، تهران، اسفند ۱۳۷۹.
۶. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی، برآورد مقدماتی حسابهای ملی در سال ۱۳۷۹ و نتایج تفصیلی حسابهای ملی در سال ۱۳۷۸، تهران، مرداد ۱۳۸۰.
۷. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره حسابهای اقتصادی، جدول حسابهای ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹، ۱۳۷۷، ۱۳۳۸، تهران، اسفند ۱۳۷۹.
۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، خلاصه تحولات اقتصاد کشور ۱۳۷۹، تهران ۱۳۸۰.
۹. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران سال ۱۳۷۹، تهران، دی ۱۳۸۰، (فتو کیبی).
۱۰. بانک مرکزی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، جدول متوسط هزینه-درآمد، ریز هزینه ها و مقدار مصرف خانوار در مناطق شهری سالهای ۷۹-۱۳۷۶، تهران، ۱۳۸۰، (فتو کیبی).
۱۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، گزارش اوضاع اقتصادی و اجتماعی استانهای کشور در سال ۱۳۷۹، تهران، بهمن ۱۳۸۰، (فتو کیبی).
۱۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، نماگرهای اقتصادی، شماره های ۲۴، ۲۵، ۲۶، سال ۱۳۸۰، تهران ۸۱-۱۳۸۰.
13. IMF, World Economic Outlook, April 2002, Washington D.C.
14. Asian Productivity Organization, Productivity Statistics, Productivity Indices and Levels In Apo Member Countries, Tokyo, 1997.
15. Asian Productivity Organization, Apo 40th Anniversary 1961, Tokyo 2002.

فرآیندها و وسایل ارتباط جمعی، خواستار کالاهای متنوع مصرفی اعم از کفش و پوشاک، لوازم صوتی و تصویری و دهها صداهای کالای کوچک صنعتی دیگر است که صنایع دولتی و مؤسسات عمومی هرگز تصور تولید آن را نداشته و بخش خصوصی نیز با کمبود امکانات ارزی و اعتباری، در زمان مناسب به فکر تولید این قبیل کالا نبوده اند.

فروش نرفتن و پیر شدن ابزارها حتی در شرایط کاهش استفاده از ظرفیتها (حدود ۳۰ درصد صنایع ایران با ظرفیت حدود ۲۰ درصد کار می کنند) حاصل کمبود تقاضای مؤثر است که به اخراج کارگران و کاهش نیروی کار در کارگاههای بزرگ صنعتی کشور منجر شده و مشکل بیکاری را تشدید کرده است.

مشکل بیکاری در کوتاه مدت قابل حل نیست. طرح ایجاد ۳۰۰ هزار شغل از طریق دادن وام های ۳ میلیون تومانی به واحدهای تولیدی در شرایط کمبود تقاضای مؤثر برای تولیدات داخلی و بسته بودن بازارها ممکن است تنها در کوتاه مدت اشتغال کاذب با هدف استفاده از یارانه نرخ بهره این قبیل اعتبارات ایجاد کند.

راه حل دراز مدت به طور طبیعی از طریق تغییر ساختار اقتصاد ایران بویژه دولت و نهادز دایی از اقتصاد، یعنی خصوصی سازی واقعی یا مشارکت سرمایه های خارجی، همراه با تغییرات اجتماعی و سیاسی که به افزایش درآمد و بهبود فرهنگ اجتماعی و سیاسی منجر می شود به دست می آید.

باید با حل مشکلات سیاسی کشور و تغییر ساختار قدرت سیاسی، در جامعه وحدت نظر و هدف ایجاد کرد و با اصلاح ساختار اقتصاد بویژه احیای بخش خصوصی واقعی، مشکل بیکاری، رکود، فقر، اختلافات شدید طبقاتی، درآمدی و ثروتی را با استمداد از مردم واقعی و دلسوز ایران با همت همه متخصصان و کارشناسان ایرانی بر پایه نظام شایسته سالاری رقابتی حل کرد و باید با تلفیق سیاست حمایت از صنایع کوچک اشتغال آفرین و در عین حال فضا سازی برای ایجاد مجتمع های صنعتی بزرگ و فراهم سازی امکان رقابت در بازارهای جهانی همراه با عضویت در سازمان جهانی بازرگانی، اقتصاد و جامعه را به سوی رشد و توسعه رهبری نمود.

○ باید با حل مشکلات سیاسی کشور و تغییر ساختار قدرت سیاسی در جامعه وحدت نظر و هدف ایجاد کرد و با اصلاح ساختار اقتصاد بویژه احیای بخش خصوصی واقعی مشکل بیکاری، رکود، فقر، اختلافات شدید طبقاتی، درآمدی و ثروتی را با استمداد از مردم و همت همه کارشناسان ایرانی بر پایه نظام شایسته سالاری رقابتی حل کرد.